

نقش فصلنامه «ایران نامه» در تجسم کارنامه‌های علمی ایران‌شناسی و خاورشناسی

دکتر نورعلی نورزاد

مدیر گروه ادبیات فارسی دانشگاه دولتی خجند تاجیکستان

یادم می‌آید که هشت سال قبل، ایّامی که ما به جشن بزرگداشت مولانا جلال‌الدین بلخی و برگزاری همایش بین‌المللی در این باره، آمادگی می‌دیدیم، استاد روانشادم «عبدالمنان نصرالدین» در یکی از نشست‌های کمیته تدارکات، مجله‌ای را با خود آوردند و به ما شاگردان و همکاران معرفی نموده، از پیشنهاد مقالات علمی خویش بر آن اظهار نظر کردند. با همان صمیمیت و اخلاص مندی خاصی که به همه دوستان خویش ظاهر می‌نمودند، تأکید فرمودند که برادر عزیز «صفرجان» زحمت کشیده، این مجله را با زبان روسی در آلمانی تأسیس داده‌اند و با پشتیبانی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آلماتی قزاقستان به چاپ می‌رسد.

همزمان افزودند که بنده مسئولیت نمایندگی مجله را به عهده دارم و می‌توانید به همه دوستان از رشته‌های تاریخ، صنعت‌شناسی (هنرشناسی)، زبان و ادبیات، فرهنگ‌شناسی، فلسفه و دین و مذهب، این پیام را برسانید تا مقالاتشان را منظور نمایند. همین گونه، برای همه ما شاگردان، از این مجله که همین «ایران نامه» بود، تقدیم کرده، اظهار امید برای منظور مقالات جالب علمی کردند تا بدین صورت، پیوندهای ما با این مجله بانفوذ علمی برقرار باشد و پیوسته تقویت کسب نماید.

بعد گرفتن شماره نخستین «فصلنامه ایران نامه» به دفتر کاری خود برگشتم و همان روز به تأمل به محتوای شماره نخستین مجله آشنا گردیدم. برایم نخستین نکته جالب توجه این بود که آنجا اکثراً مقالاتی جای داده شده که مؤلفان آن، پژوهشگران صاحب‌نظر از جمهوری اسلامی ایران به شمول رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی جمهوری اسلامی ایران دکتر غلامعلی حدّاد عادل، سید حسین نصر، عزّت‌الله نوذری، زهره زرشناس، محمد نصیری، ابراهیم حسن بیگی و همایون امامی هستند و همزمان در همین شماره، متن سخنرانی سابق رئیس جمهوری اسلامی ایران، سید محمد خاتمی در نخستین انجمن ایران‌شناسی با ترجمه به زبان روسی به دست چاپ رسیده است.



دکتر نورعلی نورزاد

به خود اندیشیدم که شاید در شمول هیئت ایجاد فیصلنامه، تعداد زیادی مترجمان فعالیت دارند که به ترجمه مقالات مشغولند، چون تنها در همین یکمین شماره آن، هشت مقاله محققان ایرانی است که اصلاً به فارسی نوشته شده و ترجمه آن در مجله درج است. بعداً برایم معلوم گردید که بار نشر این فیصلنامه را استاد صفر عبدالله به تنهایی می‌کشند که برابر این زحمت، ترجمه اکثر این مقالات هم بر دوش خود ایشان قرار دارد.

واقعاً، تنها در زمینه همین یک شماره نخستین «فیصلنامه ایران نامه» هر نفر خواننده هوشمند به درستی این زحمت سنگین و فداکاری بزرگ را برای نشر و تبلیغ فرهنگ مشرق زمین درک می‌کند که نه تنها میان خوانندگان کشورهای آسیای مرکزی، بلکه برون از خاصه جمهوری های پسا شوروی و هر جا که اهالی روس زبان است، پهن می‌گردد.

همین طور، با توجه به محتوای مقالات جالب که در شماره نخستین «فیصلنامه ایران نامه» جای گرفته بودند، همیشه اشتیاق آن را داشتم که به شمارگان بعدی آن دسترسی داشته باشم و از مندرجه محصول پژوهش های گرانسنگ خاورشناسان کشورهای مختلف، از طریق مطالعه آن، آشنایی بیشتر پیدا نمایم. در همین شماره نخستین فیصلنامه، متن سخنرانی رییس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی جمهوری اسلامی ایران، دکتر غلامعلی حداد عادل راجع به سیمای مولانا در مکتوبات او منتشر شده بود که مقاله مفید برای اکثر خوانندگان فیصلنامه در سال مولانای بلخی به شمار می‌رود. خوشبختانه با مطالعه این نوشته جالب که اصلاً متن سخنرانی ایشان در یکی از همایش های علمی بزرگداشت مولانا می‌باشد و در تاریخ دهم تا دوازدهم اکتبر سال ۲۰۰۱ در شهر استنبورگ برگزار

گردیده است، به زمینهٔ فعالیت های علمی این دانشمند صاحب نام در سمت مولوی پژوهی آشنایی پیدا نمودم.

وقتی در سال ۲۰۱۳ همراه با استاد ارجمند، عبدالنبی ستارزاده با دعوت فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی به جمهوری اسلامی ایران سفر کردیم، ضمن ملاقات با رئیس فرهنگستان دکتر غلامعلی حدّاد عادل، ایشان کتاب تازه نشر خویش «احوال دلِ گداخته» را که برگزیدهٔ مکتوبات مولانای بلخی محسوب می‌شود، به ما تقدیم نمودند و همانا من به یاد همین شمارهٔ نخستین «فصلنامهٔ ایران نامه» افتادم و از نشر این سخنرانی ایشان یادآوری نمودم که محض، توسط زحمت های استاد صفر عبدالله، امکان آشنایی به این زمینهٔ فعالیت های پژوهشی نه تنها یک تن از چنین محققان صاحب نام ایرانی، بلکه صدها نفر از این قبیل دانشوران برای ما پیدا گردید.

من بعد هم توسط استاد گرانقدرم، مرحوم عبدالمنان نصرالدین و از طریق ریزنی فرهنگی ایران در تاجیکستان، قسمت دیگر شمارگان بعدی مجله را دسترس، از مقالات پر محتوا و ارزشمند آن در زمینهٔ کلیهٔ مسائل خاورشناسی بهره‌های فراوانی به خود می‌گرفتم. هر چند شماره‌های فصلنامهٔ نامرتب به دست ما می‌رسید، اما همین شرافت پیدا نمودن هر یکی از آنها خیلی از ناشنیده ها و نادانست ها در زمینهٔ مسائل مبرم ادبیات و فرهنگ و تاریخ گذشته برایمان کشف می‌گردید. وقتی که سامانهٔ شخصی استاد صفر عبدالله راه اندازی شد، دیگر امکان دسترسی به شماره‌های فصلنامه برایمان آسان گردید و امروز هر نفر خوانندهٔ اشتیاق به مطالب آن داشته، می‌تواند مجموع شماره‌های فصلنامه و در کنار این، کلیهٔ آثار و تألیفات این دانشمند صاحب نظر را اینجا مطالعه نموده، به کارنامه‌های پژوهندی و نقش مؤثر ایشان در بازتاب مسائل خاورشناسی معاصر از نزدیک آشنایی پیدا نماید.

بند و بست و تنظیم مواد علمی در فصلنامه، جالب توجه به نظر می‌رسد. از اولین شمارهٔ آن همیشه چنین ترتیب دسته‌بندی مواد تا آخر اساساً رعایت شده، مقالات در بخشهای «تاریخ و فلسفه»، «زبان و ادبیات»، «فرهنگ و هنر»، «نام‌آوران»، «ایران امروز»، «دین‌شناسی» و امثال این، جای گرفته‌اند. البته، چون به تدریج با نشر بیشتر آن دایرهٔ خوانندگان فصلنامه در سراسر کشورهای آسیای مرکزی، روسیه، جمهوری‌های دیگر پسا شوروی، هر ممالکی که آنجا اهالی روس زبان سکونت دارند، توسعه کسب نمود، نامه‌های فراوانی به عنوان سردبیر آن استاد صفر عبدالله رسیده است که در آن، همین گونه نامه‌های اخلاص و ارادت خوانندگان مجله و پیشنهاد و درخواست های ایشان نشر گردیدند. باید گفت که تصنیفات بخش های فصلنامه به عنوان های مذکور برابر بیانگر وسعت سمت های علمی آن، فراگیر دایرهٔ وسیع مواد علمی بوده، تجسم گر کلیهٔ مسائل خاورشناسی معاصر محسوب می‌شوند که این نکته را اکثر پژوهشگران آشنا با مطالب و مقاله‌های نشر شده در فصلنامه نیز اعتراف نموده‌اند.

نکتهٔ مهم و ارزشمند دیگری که برابر مطالعهٔ فصلنامه، خواننده را سوی خود می‌کشد، چهره‌های برگزیدهٔ عالم پژوهش است که در فهرست «شورای مشورتی ایران نامه» معرفی گردیده‌اند. در این هیئت، نام های دانشورانی را از کشورهای روسیه، ایران، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، ارمنستان،

تاتارستان می‌توان پیدا نمود که ما با اسمشان توسط مطالعه نوشته‌های ایشان، آشنایی زیادی داریم و هر یکی به ذات خود شایسته مقام عالی علمی در عرصه پژوهش مسائل مبرم خاورشناسی هستند. نام استاد فریدون جنیدی برای ما تاجیکان، خاصه محققان ادبیات فارسی خیلی آشناست و زحمت‌های بی‌سابقه این دانشمند در تصحیح و نشر «شاهنامه فردوسی»، پژوهش مسائل زبانهای قدیمه ایرانی، ظهور تمدنهای نخستین در قلمرو آریانا و امثال این، مورد اعتراف در علم جهانی ست. استاد اصغر دادبه که از دیگر مشاوران فصلنامه به شمار می‌روند، برایمان کفایت همین را بدانیم که یکی از برندگان جایزه عالی «چهره‌های ماندگار» در جمهوری اسلامی ایران هستند. همین گونه، اینجا نام‌های نام‌آوران عالم خاورشناسی، چون: ستیلین، کمینسکی، ش. شکوراف، م. شکوراف، ش. قادریاف از روسیه، گ. استرین، و ش. خرشدین از ارمنستان، استاد معتبر ادبیات‌شناسی تاجیک، صدری سعدی یف از ازبکستان، م. آویزوا، م. عبوسیتاوا، ت. بیسیمبایف و دیگران از قزاقستان و دانشوران صاحب‌نظری چون: اکبر تورسان، عبدالنبی ستارزاده و مرحوم عبدالمنان نصرالدین (تا سال ۲۰۱۱) جای گرفته‌اند که هر یکی به ذات خود، سهمی ماندگار در عرصه خاورشناسی امروز دارند.

حضور نام مبارک این دانشوران در فهرست مشاوران در نوبت اول، بیانگر اعتراف آن به عنوان یکی از فصلنامه‌های بانفوذ علمی سطح جهانی محسوب می‌شود و از نظر دیگر، این نکته - خود مفسر مقام و منزلت سردبیر آن استاد صفر عبدالله در خاورشناسی امروز محسوب می‌یابد که اکثر این دانشوران با نظر داشت اعتراف خدمت‌های علمی مسئول نشر آن، چنین مسئولیت بزرگ را در شورای مشورتی فصلنامه بر دوش گرفته‌اند. جای افزودن این نکته هم هست که شاید در شرایط کنونی، امکانیت پیدایی نه همه نوشته‌های این دانشوران را داشته باشیم، اما نقش مؤثر این فصلنامه با همت و تلاشهای بنیادگذار آن استاد صفر عبدالله در این نکته هم ظاهر می‌شود که به شرافت کنار هم آوردن این شورای مشورتی علمی بانفوذ به خواننده خود امکانیت داده است که با تازه‌ترین پژوهشهای انجام داده مشاوران علمی فصلنامه، همچون نام‌آوران عالم خاورشناسی بیشتر و بیشتر آشنا بشوند و از تحقیقات پرمایه ایشان برابر مستفید شدن، از آنها راهنمایی در مسیر کارنامه‌های تازه علمی خویش بگیرند.

در رابطه به جنبه‌های تأثیرگذار فصلنامه و نقش بی‌سابقه آن در زمینه تجسم تحقیقات علم مربوط به تاریخ الکی (دست کم) یک پژوهشی هم انجام یافته است که آن، به قلم دو تن از پژوهشگران قزاقستانی - نامزدان علوم تاریخ: ا. گلییف، و. ا. ک. کملاو تعلق دارد و بیشترین مقالات مربوط به مسائل تاریخ آسیای مرکزی و ایران به نشر رسیده در این مجله در این مطلب مهم علمی، شرح و تفسیر و نقد و بررسی شده‌اند. از این رو، بازتاب سهم فصلنامه در تجسم موضوعات و تمایلهای دیگر خاورشناسی امر مهم و ضروری به نظر می‌رسد.

طوری که تذکر یافت، از آغاز فعالیت فصلنامه، یک بخش مهم آن را نشر محصول تحقیقات خاورشناسان جهانی در زمینه زبان و ادبیات فارسی به وجود آورده است. هنوز از اولین شماره

آن که در سال جشن بزرگداشت مولانای بلخی به دست چاپ رسیده بود، برابر به نشر سخنرانی علمی دکتر غلامعلی حدّاد عادل راجع به سیمای مولانا در مکتوبات او، اینچنین چند مقاله مهم علمی دیگر راجع به جنبه‌های مختلف زبان و ادبیات فارسی، از جمله زبان و ادبیات عهد باستان روی چاپ آمده‌اند. مقاله علمی دانشمند ایرانی دکتر زهره زرشناس، که از تاریخ تشکّل ادبیات قدیمه فارسی حکایت می‌کند، برای اهل تحقیق از هر جهت خیلی مفید و قابل ملاحظه به مشاهده می‌رسد. هرچند اینجا سخن از بررسی یادگارهای ادبیات تا اسلامی فارسی می‌رود که بیشترین آنها در زبانهای قدیمه ایرانی محفوظ مانده‌اند، اما مؤلف مقاله ادبیات، این دوران را با دید خاصه علمی تصنیف و از نظر تاریخی دوربندی نموده است که از ارزش و اهمیت علمی برخوردار می‌باشد.

گمان می‌کنم، که استفاده این مقاله پر قیمت علمی ضمن تدریس تاریخ ادبیات تا اسلامی تاجیک برای دانشجویان فاکولته‌های فیلولوژی (دانشکده های زبانشناسی) از اهمیت خالی نمی‌باشد. باید گفت که به ارتباط سال بزرگداشت مولانای بلخی در شماره‌های دیگر این فصلنامه نیز مقالات و مطالب جالبی راجع به این چهره نادر و ماندگار ادبیات عرفانی ما روی چاپ آمده‌اند که واقعاً به خدمتگزاری شایان سردبیر نشریه در معرفی کارنامه‌های تازه علمی در عرصه مولوی پژوهی در سراسر عالم اشارت می‌ورزند. مثلاً در شماره سوم همین سال، مقاله خورشناس و محقق معروف در زمینه نسخه‌شناسی و میراث خطی، مرحوم «عالیگ فیادراویچ اکیמושکین» زیر عنوان «شوریده‌ای از روم» به نشر رسیده است که مطالب قابل توجه علمی را در مورد نکات مهم روزگار و میراث ماندگار مولانا فرا می‌گیرد.

همچنین، در شماره چهارم همین سال فصلنامه، ترجمه روسی تحقیقات دانشمند ایرانی محمد کاظم مزینانی در مورد مولانای بلخی نشر شده است که آن، بیشتر به محتوای حکایات جالبی از «فیه ما فیه» تکیه می‌نماید. هرچند اساساً مؤلف این حکایت را برای نورسان از کتاب جاودانه مولانا «فیه ما فیه» برگزیده است، اما مقدمه‌ای بر این منتخب، نوشته که یک تدقیقات کاملی را در ارتباط با روزگار و آثار مولانا، از جمله همین اثر نثری (منثور) او فرا می‌گیرد. اهمیت مهم نشر این مقاله در «فصلنامه ایران نامه» پیش از همه در آن مجسم است که توسط ترجمه این حکایات به زبان روسی از جانب «و. شوخواساو» قسمتی از این کتاب بزرگ نثر صوفیانه فارسی به این زبان ترجمه شده، به خوانندگان روس زبان و اهل مطالعه آن منظور گردیده، دایره معرفی این کتاب مولانا، بیشتر می‌گردد. به عبارت دیگر، کار ترجمه و نشر این مقاله در «فصلنامه ایران نامه» زمینه‌هایی در ترجمه یک کتاب دیگر مولانا را به زبان روسی گذاشت. انتشار این گونه مقالات جالب و ترجمه‌های آثار مولانا و پژوهشات (پژوهش‌های) دیگر مربوط به پیشگامان ادبیات فارسی توسط «ایران نامه» به نقش مؤثر آن در معرفی دستاوردهای خورشناسی در زمینه ادبیات فارسی اشارت می‌کند.

می‌توان گفت که محض با کوشش سردبیر فصلنامه دکتر صفر عبدالله در این راستا بیشتر به نشر مقالاتی توجه می‌شود که از هر جهت با تازگی تحقیقی خود امتیاز داشته، دایره وسیع خوانندگان،

خاصه اهل تحقیق را در کشورهای فارسی‌زبان، از جمله تاجیکستان با کارنامه‌های علمی خاورشناسان کشورهای دیگر آشنا می‌سازند.

البته، نشر مقالات در زمینه مولوی پژوهی در «فصلنامه ایران نامه» منحصر به سال بزرگداشت مولانا در سراسر جهان باقی نماند و بعداً در شماره سوم سال ۲۰۰۸ نیز مقاله استاد روانشاد «عبدالمنان نصرالدین» زیر عنوان «عطار در جهان فکری مولانا» به نشر رسید. مقاله ارزشمند استاد عبدالنبی ستارزاده زیر عنوان «مولانا و لایق» نیز در شماره اول سال ۲۰۱۰ روی چاپ آمده است که نوعی تأثر شاعران معاصر تاجیک را در سیمای استاد «لایق شیرعلی» از مولانای بلخی در محور بررسی‌های علمی قرار می‌دهد.

مثل این، باز هم چند مقاله دیگر را می‌توان بر این شمار افزود که ارزش بلند را در مولوی پژوهی جهانی داشته، توسط نشر در صحیفه‌های فصلنامه، اکثرشان بار اول به دست خواننده خود رسیده است. سعادت‌یار هشتم که در شماره اول سال ۲۰۱۳ مقاله‌ای از اینجانب راجع به «تجسم جغرافیای تاریخی و فرهنگ تاجیکی در آثار مولانا» نیز منتشر گردید.

مقالاتی که در بخش زبان و ادبیات فصلنامه پیوسته نشر می‌شوند، تمایل‌های گوناگون‌رنگ و مختلف جبهه پژوهش مسائل مربوط به تاریخ تشکل زبان و ادبیات فارسی، از جمله: ادبیات صوفیه، پیوندهای ادبیات فارسی با ادبیات جهان، چهره‌های ادبی، هنر شاعری سخنوران مختلف قدیم و امروز، نقد ادبی و امثال این را فرا می‌گیرند. بویژه، نشر چندین مقالات دانشمندان ایرانی راجع به زبانهای قدیمه ایرانی و جایگاه آنان در تاریخ تمدن مردمان فارسی‌زبان برای شناخت سرنوشت تاریخی تشکل زبانهای کهن و سرچشمه‌شناسی زبان معاصر فارسی از اهمیت خاصه‌ای برخوردارند و می‌تواند در آموزش مسائل پیچیده و مبهم قسمت زبانهای عهد باستان برای اهل پژوهش خدمتگزار باشند.

همین گونه مناسب به سرنوشت ادبیات فارسی نیز در صحیفه‌های مجله و مقالات آن مشاهده می‌گردد که توسط مندرج شدن مقالات و مباحثی راجع به دستاوردهای مهمترین ادبیات کهن ما توسط این فصلنامه خیلی از تازه‌های شناخت و معرفت ادبیات فزون به هزارساله‌های ما منظور اهل تحقیق، خاصه خاورشناسی جهانی شده‌اند.

خوشبختانه، نقش این فصلنامه برای ترغیب دستاوردهای علمی پژوهشگران تاجیک و نقد و نظرهای مهم علمی آنان در عرصه خاورشناسی نیز خدمت شایانی نموده است. در صحیفه‌های فصلنامه، پژوهشهای در زمینه خاورشناسی، خاصه ادبیات قدیم و معاصر تاجیک، انجام داده‌ایمان کشور، چون: عبدالنبی ستارزاده، مرحوم عبدالمنان نصرالدین، تاج‌الدین مردانی، شریفجان اسرافیل‌نیا، شادی محمد صوفی، یف، مظفر محمدی، فخرالدین نصرالدین‌اف و دیگران انتشار یافته‌اند.

همزمان، نگاه‌های علمی محققان تاجیک در رشته‌های فلسفه، تاریخ و صنعت‌شناسی (هنرشناسی) امثال آکادمیسین اکبر تورسان، پروفیسوران: فراغت عزیز، نظیرجان تورسونو، قاسمشاه اسکندر اف، مولا شاه دولت اف، محققان و مورخان چون: لقمان بایمت اف، جربای عصام الدین اف،



انام محمدعلی یف و دیگران در صحیفهٔ شمارگان مختلف مجلهٔ منتشر گردیده‌اند که همگی از خدمت شایان این فصلنامه در معرفی دستاوردهای علمی عالمان تاجیک در حوزهٔ خاورشناسی روسی درک می‌دهد.

چندین مقاله‌های پربار علمی خود سردبیر فصلنامه راجع به مسائل مبرم تشکل ادبیات صوفیانهٔ فارسی، نقد و بررسی اشعار استاد مؤمن قناعت و امثال این به دست چاپ رسیده‌اند که در برابر زحمت نشر فصلنامه از توجه عمیق ایشان در بررسی مسائل مبرم خاورشناسی پیام می‌رسانند. در کنار این، سنت جالبی را هم در صفحات پایانی فصلنامه رایج نموده‌اند که آن به نشر نقدهای نگاشتهٔ مؤلف به رساله‌های علمی انجام یافته در سمتهای مختلف خاورشناسی، خاصه ادب پژوهشی محسوب یافته، هر یکی از آنان به ذات، خود دارای ارزش و اهمیت مهم علمی هستند.

فزون بر این فضیلت‌های علمی و مقام معنوی «فصلنامهٔ ایران‌نامه» تنها مقالات و مواد مربوط به سرچشمه‌شناسی، تحقیق و بررسی ادبیات فارسی مندرج در آن را می‌توان در چند زمینه دسته‌بندی نمود که گمان می‌کنم بر پایهٔ هر یک از این تمایلات فراگیر آن، امکان دارد یک مطلب تحقیقی به قلم آید. راجع به سهم «ایران‌نامه» در تجسم مسائل مولوی پژوهی در خاورشناسی امروز، نکاتی چند قبلاً افزوده شد و همین گونه می‌توان نقش این فصلنامه را در بازتاب مسائل رودکی‌شناسی، فردوسی‌شناسی و تحقیق و بررسی آثار دیگر سخنوران پیشین ما از

دید خاورشناسان وطنی و خارجی معاصر نیز به معاملات علمی کشید، زیرا چندین مقالات پرارزش علمی در صحیفه‌های مجله به چاپ رسیده‌اند که محدود به پژوهشگران معاصر کشورهای فارسی‌زبان نبوده، باز هم افاده‌گر دستاوردهای شایان ادب پژوهی امروز در ماورای این حوزه‌های علمی به شمار می‌رود.

فزون بر این، بررسی افکار و اشعار رودکی از دید پژوهشگران رشته‌های تاریخ، هنر، فلسفه و امثال این جریان گرفته است که بخشی از مقالات در این زمینه انجام داده پژوهشگران وطنی و خارجی، در شمار مقالات ارزشمند منتشره در مجله قرار گرفته‌اند. به عنوان سنت رایج و ارزشمند در کار نشر فصلنامه، مقالاتی هم ترجمه و نشر شده‌اند که از جانب محققان فارسی‌زبان اشعار استاد رودکی به قلم آمده، با همت و تلاشهای سردبیر فصلنامه و به منظور اهل مطالعه روس زبان چاپ گردیده‌اند. تدبیر مذکور برابر به معرفی دستاوردهای رودکی‌شناسی کشورهای فارسی‌زبان در نشر و تبلیغ میراث ارزشمند استاد رودکی در کشورهای پسا شوروی و هر جا که نفوذ خوانندگان روس‌زبان چشمگیر است، نقش مهم و مؤثر کسب کرده است. مقاله دانشمند نامور ایرانی، دکتر محمد امین ریاحی که در زمینه بررسی زندگینامه حکیم فردوسی و شاهنامه او تحقیقات سودمندی به انجام رسانیده است، راجع به زمینه‌های تاریخی سرایش قصیده «بوی جوی مولیان» استاد رودکی نیز مقاله‌ای چاپ شده که بر پایه ترجمه و نشر در مجله برای اهل تحقیق، ویژه رودکی‌شناسان خارجی منظور شده است.

در شماره ۲ فصلنامه از سال ۲۰۱۱ سلسله مقالاتی راجع به مؤلف حماسه بی‌نظیر ملی «شاهنامه» بی‌زوال و نقش و مقام این اثر محتشم پهلوانی و تاریخی نشر شده‌اند که به قلم محققان کشورهای مختلف، از جمله پژوهشگران ایرانی، گرجی، روسی و امثال این تعلق می‌گیرند. مدیر مسئول فصلنامه با نظر داشت همین توجه عمیق خوانندگان مجله و ارسال مقالات بی‌شمار در زمینه تحقیق میراث فردوسی و مقام شامخ او در حماسه‌سرایی در ادبیات جهان، این بخش مقالات را زیر عنوان «فردوسی پژوهی» فراهم آورده، منظور اهل مطالعه نموده است. مسلم است که این جا هم با زحمت‌های ایشان، مقالات پژوهشی مربوط به روزگار و آثار فردوسی از فارسی به زبان روسی ترجمه شده‌اند که از این راه، خاورشناسان روسی و اهل مطالعه با این زبان می‌توانند از دستاوردهای فردوسی‌شناسان معاصر ایرانی آشنایی فراتر کسب نمایند.

اینجا ما به مقاله‌های دانشمندانی چون دکتر احمد خاتمی، دکتر بهناز پیمانی، امیرحسین خنجی، حسن جمشیدی، مریم جلالی، ندا اخوان، آرش اکبری مفاخر، سیدمحسن هاشمی و دو تن از فردوسی پژوهان گرجی جارجالینی، و گیوانشویلی دچار می‌آییم که در آنها مسائل مبرم «شاهنامه» فردوسی» و جایگاه آن در ادبیات جهانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این نگاه‌ها، مسائل سنت حماسه‌سرایی تا زمان فردوسی در ایران باستان، جایگاه باورهای مردمی در شاهنامه، آیین‌های خانوادگی، بنیاد عایله و مناسبت‌های خانوادگی در حماسه بزرگ ملی ما، جایگاه شاهنامه در گرجستان، چهره بانوان در شاهنامه، سیمای رستم در این حماسه بی‌نظیر و امثال این، بررسی و تحقیق شده‌اند

که هر یکی از آنها می‌توانند برای شناختی آراء، اندیشه و نقش فردوسی در ادبیات عالم خدمتگزار باشند.

همین گونه، مقالات زیادی در زمینهٔ رودکی‌شناسی، فردوسی پژوهی در هفت سال فعالیت فصلنامه درج گردیدند که پهلوهایی مختلف روزگار و میراث ادبی استاد شاعران، اینچنین خدمات فرهنگی نگارندهٔ حماسهٔ بی‌نظیر ملی را فرا گرفته، آنها به قلم دانشورانی از کشورهای مختلف تعلق می‌گیرند که گمان می‌کنم بررسی این موضوع نیز خواستار بحث جداگانه است. از جانب دیگر، گزینش همین مقالات مربوط به رودکی‌شناسی، مولوی پژوهی، فردوسی‌شناسی و امثال آن، در دوام سالهای فعالیت مجله، خود می‌تواند چند کتاب جداگانه‌ای را در این عرصه به وجود آورد که این تدبیر هم به نقش سازگار این فصلنامهٔ علمی در حوزهٔ پژوهش پیرامون روزگار و میراث ادبی این دو سخنور جاودانه ادبیات گذشتهٔ ما تأکید می‌ورزد.

در کنار این، بخش مهم مقالات مربوط به ادبیات فارسی فصلنامه را پژوهش‌هایی در زمینهٔ ادبیات عرفانی فارس و تاجیک به وجود آورده است. تحقیقات در این زمینه انجام شده در خاورشناسی روس و خارجی اگر یک بخش مهم مقالات را به وجود آورد، قسمت دیگر آنها را مقاله‌های ترجمه‌شده از زبان فارسی در زمینهٔ ادبیات گذشتهٔ پُرغناوت ما تشکیل می‌دهد. بیشتر مقالات مربوط به تصوف اسلامی و جنبه‌های مختلف که از فارسی به روسی در شماره‌های مختلف مجلهٔ انتشار یافته‌اند، متعلق به قلم دانشمند معروف ایران، محقق برجستهٔ تاریخ و ادبیات متصوفه سید حسین نصر می‌باشد. سلسلهٔ مقالهٔ این دانشمند نام‌آور که به طور پیوسته در مجلهٔ نشر شده‌اند، در شناخت افکار صوفیانهٔ نمایندگان برجستهٔ تصوف اسلامی، از جمله «ملاصدرا» از اهمیت برجستهٔ علمی برخوردارند.

در چند شمارهٔ دیگر فصلنامه، پاره‌هایی از کتاب ادبیات‌شناس معاصر ایران دکتر عبدالحسین زرّین کوب «ارزش میراث صوفیه» نیز انتشار یافته است که این امر، ضمن اشاره به نقش پرتأثیر مجله در تبلیغ ادبیات عرفانی فارسی و همزمان میراث علمی همزبانان در حوزه‌های خاورشناسی روسی، زمینه‌های شکل‌گیری ترجمهٔ سلسلهٔ آثار پژوهشی محققان برجستهٔ ادبیات صوفیه ایران را فراهم می‌آورد.

تذکر نکتهٔ دیگر در این ردیف قابل اهمیت است که در کنار نشر این مقالات با کوشش دکتر صفرعبدالله، سلسلهٔ سخنرانی و مقاله‌های علمی همایش «تصوف در ایران و آسیای مرکزی» به زبان روسی ترجمه و نشر گردیدند.

ارزش و اهمیت این کتاب نیز در شناخت میراث صوفیه در ادبیات و فرهنگ ایرانی و اسلامی خیلی مهم و قابل ملاحظه بوده، ترجمهٔ آن برای اهالی مطلع از زبان روسی جهت آگاهی و معرفت ادبیات عرفانی فارس و تاجیک نقش مؤثری خواهد گذاشت.

به قول دانشمند نام‌آور ایران، استاد «سیروس شمیسا» هر شمارهٔ این فصلنامه برابر با یک کتاب پژوهشی در زمینهٔ ادبیات، تاریخ و فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی محسوب می‌شود. به اندیشهٔ ما هم، اگر تا امروز در دوام ۷ سال عرض هستی خویش، ۳۸ شماره «ایران نامه» منتشر شده است،

پس به کوشش استاد صفر عبدالله ۳۸ کتاب جاودانه در زمینه خاورشناسی و بررسی مسائل مبرم ایران‌شناسی به دست چاپ رسیده‌اند که هر یکی به ذات خود از اهمیت خاصی برخوردارند و به گمان غالب، شایستگی آن را دارد که در مورد نقش و مقام این فصلنامه در گسترش حوزه شرق‌شناسی معاصر، تجسم مسائل مهم زبان و ادبیات و فرهنگ ایرانی و اسلامی، تحوّل پیوندهای ادبی کشورها و اقوام مختلف، معرفی دستاوردهای علمی پژوهشگران فارسی‌زبان در حوزه علمی روس‌زبان و خاورشناسان جهانی در قلمرو فرهنگ ایرانی و امثال این، یک پژوهش مکمل از جانب محققان در مقایسه با فصلنامه‌های همسان آن در مناطق مختلف، امثال «بخارا» در جمهوری اسلامی ایران به انجام رسانیده شود. چون هنوز راه روشن و منور کار این فصلنامه به ذات خود منحصر به فرد علمی، در پیش است و می‌تواند کارنامه‌های زیادی را در عرصه خاورشناسی جهانی معرفی و تبلیغ نماید.

استاد صفر عبدالله در پیشگفتار نخستین شماره این فصلنامه با مراجعت به کل خاورشناسان اظهار داشته بودند، آرزو دارم در شکل‌گیری کار فصلنامه، عالمان و متخصصان با مقاله‌های تازه‌ای از خود شرکت ورزند که به تازگی به قلم آمده، اولین بار نشر می‌شوند. هم‌زمان تأکید داشته بودند که می‌خواهم مجله‌ای علمی-پژوهشی باشد که در آن، سبک خاورشناسی کلاسیک رعایت شود. امروز ما با اطمینان می‌توانیم در آستانه شصتمین سالگرد مولود مبارک استاد صفر عبدالله بگوییم که واقعاً این آرزوی شما جامه عمل پوشیده و «فصلنامه ایران‌نامه» با کسب جایگاه خاصی در عالم خاورشناسی معاصر، سبک کلاسیکی را صاحب شده، خدمت شایسته‌ای در رونق ایران‌شناسی و شرق‌شناسی امروز به انجام رسانید و حالا خدمات شایان بی‌شمار علمی آن باز هم در راه است.

سال ۲۰۱۱ پس از درگذشت استاد عزیزم عبدالمنان نصرالدین، ضمن شرکت در همایش جهانی «از بلخ تا قونیّه» در شهر تهران جمهوری اسلامی ایران، استاد صفر عبدالله به من گفتند که در فهرست نمایندگان مجله اسم تو را گذاشتم. می‌دانستم این تصمیم، پیش از همه با همان احترام و ارادتی که ایشان به استاد عبدالمنان نصرالدین داشتند، گرفته شده بود. با همان باور، که کارنامه‌های علمی استاد روانشادم را در عرصه تقویت همکاریها با این مجله بانفوذ ادامه می‌دهم. از سوی دیگر، استاد صفر عبدالله با اطمینان برایم اظهار داشتند که مثل برادرم عبدالمنان تو هم دادر خودم هستی و باید کارهای او را در همه سمتهای پربار فعالیتش دوام بخشی!

راستی، چون به خوبی می‌دانستم که در آن پایه و مقام ارشد استاد بزرگوارم کاری نمی‌توانم بکنم، همیشه اندیشه نگاشتن حداقل همین گونه یک مطلبی در مورد جایگاه این فصلنامه علمی، از دیرباز همراه من بود تا کار کوچکی در حد توان خود به عنوان نماینده این فصلنامه در شهر خجند انجام دهم. خدای را شاکرم که به آن روز رسیدیم و آن هم به آستانه جشن مبارک شصتمین سالروز تولد استاد صفر عبدالله موافق آمد.

با استفاده از این زمان موافق، تمنّا می‌کنم که خداوند این دانشمند بزرگ، خدمتگزار نستوه فرهنگ و تمدن ملی ما، مبلغ بی‌غرض دستاوردهای شایسته خاورشناسی و برادر عزیز و ارجمند ما را سالیان طولانی، بی‌گزند، باعافیت، شادکام و شادروز نگه دارد تا توسط کارنامه‌های تازه به تازه علمی خویش، خزینه علم و معارف ملت ما را غنی گرداند.